

عرفان با فیها و تفاسیر و تأویل بی سود و کیمیاگری و جفر و تطبیقات عددیه

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (79) امر و خلق - جلد 3

۷۹ - عرفان با فیها و تفاسیر و تأویل بی سود و کیمیاگری و جفر و تطبیقات عددیه

و در لوحی دیگر قوله عزّ علا : بنام خداوند مقدس بیهمتا امواج بحر بیان از قلم رحمن بصورت این کلمات تجلی فرموده کتابت لدی العرش حاضر و جوهر حبّ از آن ظاهر و لطیفه و د از آن مشهود هنیئاً لک بما شربتَ رَحِیقَ الاستقامَةِ من کأسِ توفیقِ رَبِّکَ العَلیمِ الخبیر در اکثری از الواح ذکر نعاق ناعقین و ضوضاء متوهّمین نازل ایامی که مقرر عرش زوراء بوده و همچنین ارض سرّ و سخن اعظم ناس را اخبار دادیم بآنچه از بعد واقع شده و خواهد شد باید الیوم اهل بهاء بشأنی مستقیم و راسخ در امر الله باشند که ما سواه را معدوم دانند و مفقود شمردند جمیع امور در الواح مفصلاً بیان شد بشأنی که از برای احدی عذری باقی نمانده معذک بعضی از نفوس به کلمات واهیه که از فاضلات کلمات درویش پوسیده‌های قبل بوده تکلم مینمایند و بآن افتخار میکنند قسم به آفتاب افق توحید که امثال آن نفوس ابداً توحید را ادراک ننموده‌اند و عرف بیان رحمن را استنشاق نکرده‌اند و لکن آن جناب محزون نباشند چه که امثال آن مزخرفات همیشه در دنیا بوده و خواهد بود مخصوص در این ظهور که لا یحصی ظاهر خواهد شد اعاذنی الله و معشر المخلصین من هؤلاء .

و لوحی دیگر است قوله الامنع : هو العلیم الحکیم کتابت مشاهده شد و ندایت اصغاء گشت لم یزل و لا یزال در نظر بوده و انشاء الله خواهید بود بی ایامی که شمس عنایت از افق ارض سرّ مشرق بود بکل اذن داده شد که



ORIGINAL

از مشرق فضل آنچه خواهند سؤال نمایند و از هر قبیل سؤالات شد و جواب از مطلع علم نازل و ارسال شد و بعد از ورود در سجن اعظم کتاب اقدس از ملکوت مقدس نازل و در آن کل را امر نمودیم که آنچه را الیوم از اوامر الهیه و احکام ربانیه که به آن خلق محتاج‌اند از حق منیع سؤال نمایند چه که ملاحظه شد اکثر از علوم و قواعد و ما عند هم ثمری نداشته و ندارد مثلاً الیوم اهل بهاء محتاج به تفسیر کتب قبل نبوده و نیستند الیوم باید جهد نمود تا آنچه از احکام نازل شد به آن عارف شده و به تبلیغ امر الله مشغول گشت این فعل اعظم بوده و خواهد بود در احیان توقف در عراق شئون تفسیری بسیار نازل شده چنانچه اگر عارف بصیر در کتابی که به اسم خال معروف است و همچنین در تفسیر حروف مقطعات و غیره تفکر نماید جمیع آیات او را ادراک نماید و مقصود را مییابد و آنچه ذکر شده درین لوح نظر به فضلی است که به آنجناب بوده تا جمیع ناس را بآنچه الیوم لازم است ترغیب نماید مثلاً بعضی از جفر سؤال نموده‌اند و همچنین از اکسیر و همچنین از اشعار شعرا و اقوال عرفاء و قلم ذکر نموده آنچه را که باید ذکر نماید و جواب کل نازل شد و لکن الیوم این علوم محبوب نبوده و نیست چه که این علوم سبب تعویق و تعطیل بوده و خواهد بود بسیار از مشتغلین اکسیر و جفر از غایت اوهام و تفکر عقلشان زائل شده و آثار جنون ازیشان ظاهر و اگر ملاحظه در عرفان عرفاء نمائید لعمری کل در تیه اوهام هائم‌اند و در بحر ظنون مستغرق مثلاً اگر کسی الیوم تحصیل هندسه نماید نزد حق اجل است از این که جمیع کتب عرفاء را حفظ نماید چه که در آن ثمری مشهود و درین مفقود ... اطلاع بر کتب الهیه نزد حق محبوب بوده و خواهد بود چه که بیان خود حق است که از قبل بلسان مرسلین نازل شده .. لذا آن جناب را امر نمودیم که به آنچه الیوم مقصود است و سبب آسایش و نجات کل است مشغول شوند .

و لوحی دیگر است قوله الاعلی : بنام محبوب عالم ای صادق کتابت در منظر اکبر حاضر و ملاحظه شد انشاء الله همیشه بنفحات الطاف مالک ایجاد مسرور و خرم باشی و آنچه از آیات استخراج اسم اعظم نمودی لدی العرش مقبول است لکن الیوم اعظم از آن آنکه جهد نمائید که شاید غریقی را نجات دهید یعنی مرده را بماء معین الهی زنده نمائید و یا غافل را به سرمزل دانائی رسانید علوم اعدادیه لا یسمن و لا یغنی بوده انشاء الله به اخلاق الهیه مزین باشی و به نفحات وحیش مسرور و به امری که حاصل آن مشهود است مشغول شو کذلک
یا امرک ربک العلیم الخبیر

و در اثری از خ ادم ۶۶ قوله : اینکه درباره حجر نوشته بودید این مقام بهر لسانی ذکر شده چه پارسی و چه عربی و لکن در یک لوح که ذکر ماریه قطیه است به تفصیل این مقام ذکر شده و این عبد فانی از اول یومی که به این امر فائز شده و بخدمت تحریر مشغول بوده هرگز نشنیده‌ام که حضرت محبوب چیزی در این مقام بفرمایند ولیکن بعضی از عرائض از قبل و بعد از اطراف رسیده و از این فقره سؤال نموده‌اند لذا در جواب هر یک علی ما ینبغی رشحات بحر علم ظاهر و هر نفسی هم خواست باین شغل مشغول شود منع فرمودند و فرمودند وقت آن نیامده آن اصبر الی ان یأتیک الله بوقته چه که امروز کل به امر دیگر ناظر باشند و آن تبلیغ نفوس است به حکمت و بیان تا مسهای وجود عباد به اکسیر کلمه ربانیه ذهب ابریز شود و بافق اعلی ناظر گردد امروز

انسان قادر است که کسب مقامات باقیه نماید و هر چه امروز فوت شود تدارک آن محال بوده و خواهد بود انشاء الله آن جناب بکمال فرح و سرور بذکر حق مشغول باشند اوست منور قلوب و انیس قلوب و صاحب قلوب نعیماً لمن شرب کوثر العرفان و کان من الموقنین فی الحقیقة اوضح از آنچه در جزوه فارسی ذکر شده نمیشود بتمامه در آن جزوه تفصیل داده شد و اینکه نوشته بودید در ردّ ماء بر جسد اگر در تکرار از آب کسر کند چه باید کرد عرض شد فرمودند اولاً باید بدانید که مقصود از آب ماء الهی بوده و آن ماء به دهن موصوف چه که دهنیت در باطن آن مستور است چه اگر ماء ماء قراح باشد یعنی آب خالص ابداً قادر بر اخذ دهن مستوره در ارض که بذهب الحکماء و جوهر الجواهر نامیده میشود نبوده و نخواهد بود و از آن گذشته امتزاج محال چه که دهن مستوره در ارض بنا و کبریت احمر در مقامی نامیده شده و ما بین دهن که حقیقت نار است با ماء امتزاج حاصل نشود و این فقره بر هر بصیری واضح و مبرهن است هر نفس بماء عارف شود و در عمل اگر کسر نماید و کم شود مثل آنرا میتواند اخذ نماید کذلک بین المظلوم فی سجنه المبین یا علی آن استمع نداء المظلوم نشهد انه لا اله الا هو لم یزل کان فی علو القدرة والقوة والجلال ولا یزال یكون بمثل ما قد کان لا اله الا هو المبین العلیم ینبغی لک الیوم ان تمسک بما ینبغی به ذکرک بدوام الملک و الملکوت لا تلتفت الی الدنیا و شؤوناتها لعمری سیفنی و ینبغی الفضل لمن ترکها حباً لله العزیز الودود انک اذا فزت بهذا اللوح ان اشکر الله ثم اذکر المظلوم بما علیک صراط الله المستقیم ثم اعلم ان الله قد قدر لكل امر میقاتاً و انه ما اتی و اذا اتی یظهر بالحق انه لهو الخیر الامین انا ما اذنا احداً بان یشغل بهذا الامر یشهد بذلك لسانی و قلبی و عن ورائهما ربک العلیم الخیر کذلک ذکرناک و اسمعناک لتفرح فی نفسک و تكون من الصابین و الحمد لله رب العالمین .

و در اثری دیگر قوله الاسنی : اینکه مرقوم داشته بودی یکی از دوستان الهی از اشتغال احباء به صنعت اکسیر اظهار حزن نموده انه نطق بالحق فی الحقیقه حق با ایشان است در نهی این عمل الواح متعدده از سماء مشیت الهیه نازل و به اطراف ارسال شد بسیار عجیب است با نهی صریح به این عمل لا یسمن و لا یغنی مشغول شوند و بعضی از نفوس در عراق و ارض سر از صنعت معروف مکتوم سؤال نمودند در جواب از سماء مشیت رحمن نازل شد آنچه نازل شد به کرات این عبد از لسان مبارک اصغا نمود که فرمودند اگر سائلین حمل بر عجز و دون آن نمینمودند هر آینه کلمه در ذکر آن نازل نمیشد و مکرر عباد را از عمل به آن نهی فرمودند نهیاً عظیماً فی الکتاب حسب الامر آنکه آنجناب و اولیای امر به حکمت و بیان دوستان حق را از اشتغال به این عمل که فی الحقیقه سبب تضییع امر است منع نمائید .

و قوله الاعلی : قلم اعلی ابدأ التفانی بذکر اکسیر و ذکر علم آن نداشته و نخواهد داشت بعضی از نفوس از بعضی اقوال حکما و غیر هم سؤال نموده بودند مشاهده شد اگر جواب نازل نشود شاید سبب توهمات شود لذا از مطلع علم ربّانی نازل شد و کل را از عمل آن نهی فرمودیم طوبی لمن سمع امر الله و نهی نفسه عن الهوی .

و در خطابی از حضرت عبدالهء در وصف ناقضین عهد ابهی است قوله اللطیف : مرکز میثاق را محور شرک
نامید و نقطه نفی شمرد که معاذ الله در عدد چنین است این قوم جهول ندانند که هر عددی را به عدد اسماء
حسنی و غیر حسنی توان تطبیق نمود .